

غزل اصلی برنامه

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

- (۱) بیا بیا که نیابی چو ما دگر یاری
چو ما به هر دو جهان خود کجاست دلداری؟
- (۲) بیا بیا و به هر سوی روزگار مبر
که نیست نقد تو را پیش غیر بازاری
- (۳) تو همچو وادی خشکی و ما چو بارانی
تو همچو شهر خرابی و ما چو معماری
- (۴) به غیر خدمت ما که مشارق شادی ست
ندید خلق و نبیند ز شادی آثاری
- (۵) هزار صورت جنبان، به خواب می بینی
چو خواب رفت نبینی ز خلق دیاری

(۶) بَبِنْدِ چَشْمِ خَر و بَرگُشایِ چَشْمِ خِرَد
که نَفْسُ هَمچو خَر افتاد و حِرصُ اَفْشاری

(۷) باغِ عَشْقِ طَلَبِ کُن عَقیدۀ شیرین
که طَبَعُ سِرِ که فروش است و غوره اَفْشاری

(۸) بیا به جَانِبِ دارِ الشِّفایِ خَالِقِ خویش
کَزانِ طَبیبِ ندارد گُریزِ بیماری

(۹) جِهَانُ مِثَالِ تَنِ بی سَر است بی آن شاه
بِپیچِ گردِ چُنانِ سَر، مِثَالِ دَسْتاری

(۱۰) گر سیاه نه یی، آینه مَدِه از دست
که رُوحِ آینه توست و جِسْمِ زَنگاری

- (۱۱) کجاست تاجرِ مسعودِ مشتری طالع
که گرمُدارِ منشِ باشم و خریداری
- (۱۲) بیا و فِکرتِ من کن، که فِکرتِ دادم
چو لعل می خری، از کانِ من بخر، باری
- (۱۳) به پایِ جانبِ آن کس بُرو که پایت داد
بدو نگر به دو دیده، که داد دیداری
- (۱۴) و کف به شادیِ او زن، که کف ز بحرِ وی است
که نیست شادیِ او را غمی و تیماری
- (۱۵) تو بی ز گوشِ شنو، بی زبانِ بگو با او
که نیست گفتِ زبان، بی خلاف و آزادی

غزل اصلی برنامه - بیت اول

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

بیا بیا که نیابی چو ما دگر یاری
چو ما به هر دو جهان خود کجاست دلداری

غزل اصلی برنامه - بیت دوم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

بیا بیا و به هر سوی روزگار مبر
که نیست نقد تو را پیش غیر بازاری

غزل اصلی برنامه - بیت پانزدهام

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

تو بی ز گوش شنو، بی زبان بگو با او
که نیست گفت زبان، بی خلاف و آزاری

غزل اصلی برنامه - بیت دوم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

بیا بیا و به هر سوی روزگار مبر
که نیست نقد تو را پیش غیر بازاری

غزل اصلی برنامه - بیت سوم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

و هم چو وادیِ خشکیّ و ما چو بارانی
تو هم چو شهر خرابیّ و ما چو معماری

غزل اصلی برنامه - بیت چهارم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

به غیرِ خدمتِ ما که مشارقِ شادی ست
نَدید خَلق و نَبیند ز شادی آثاری

غزل اصلی برنامه - بیت پنجم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

هزار صورتِ جنّبان، به خواب می بینی
چو خواب رفت نَبینی ز خَلقِ دیّاری

غزل اصلی برنامه - بیت ششم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

ببند چشمِ خر و برگشای چشمِ خرد
که نفسِ همچو خر افتاد و حرصِ افساری

غزل اصلی برنامه - بیت هفتم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

زِ باغِ عشقِ طلبِ کُنْ عقیده شیرین
که طبعِ سر که فروش است و غوره افشاری

غزل اصلی برنامه - بیت هشتم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

بیا به جانبِ دارالشفای خالقِ خویش
کز آن طبیب ندارد گریزِ بیماری

غزل اصلی برنامه - بیت نهم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

جهانِ مثالِ تنِ بی سر است بی آن شاه
بپیچِ گردِ چنان سر، مثالِ دستاری

غزل اصلی برنامه - بیت دهم

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

اگر سیاه نه‌یی، آینه مده از دست
که روح آینه توست و جسم زنگاری

غزل اصلی برنامه - بیت یازدهام و دوازدهام

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

کجاست تاجرِ مَسْعُودِ مُشْتَری طَالِعِ
که گر مُدارِ مَنَش باشم و خَریداری

بیا و فکرت من کُن، که فِکَرَتِ دادم
چو لعل می خَری، از کانِ من بَخَر، باری

غزل اصلی برنامه - بیت سیزدهام

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

به پایِ جانبِ آن کَسِ پرو که پایت داد
بِدو نگر به دو دیده، که دادِ دیداری

غزل اصلی برنامه - بیت چهاردهام

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

و کَف به شادی او زَن، که کَف زِ بَحَرِ وی است
که نیست شادی او را غمی و تیماری

غزل اصلی برنامه – بیت پانزدهام

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۰۵۵

تو بی ز گوش شنو، بی زبان بگو با او
که نیست گفت زبان، بی خلاف و آزاری